

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

کله منارها

یک شهر، شهرِ مرده و شهرِ مزارها

اکنون پیاده شده یکسر سوارها
رفته سوارها — از کف اعتبارها
کس اختیار خویش ندارد درین زمان
یاد آنکه بود ما همه را اختیارها
مردانه تکیه بر خود و بر اعتبار خویش
چون ما کسی نبود به پاستوارها
یاد آنکه شور و شعله آتش زبانیم
هرجا زبانه میزد و هر دم شرارها
از دور دست شکوه، شکایت نمیکنم
مارا به خون نشانده همین همجوارها
غیر از گیاه هرزه نمویی نکرده است
تخم بدی فشانده درین شوره زارها
شیرازه اخوت و یاری گسسته است
نز دوستی نشانه، نه از دوستدارها
تا از لباس عافیت دور کرده اند
همخانه نیش میزنم همچو مارها
گردد برنگ دیگری این چرخ نیلگون
وارونه میروند رقم کار و بارها
مهر و عطوفت از همه جا رخت بسته است
افتاده تا به گردن مردم مهارها
بر بردباریم چه حسد میبری رقیب؟؟
تو بار خویش دور کن از جمع بارها
یا واجب الوجود، چه دوران خودسری ست
در دور ما نبود چنین گیر و دارها

جمعی در انقیاد به فرمان اجنبی
گردیده شهر کابل ما شهر مردگان
یک شهر شهر خفته و از یاد رفته ای
یک شهر شهر وسوسه و شهر ترس و بیم
یک شهر شهر سوخته و رنگباخته
یک شهر شهر آتش و خاکستر است و دود
یک شهر شهر تیغ و ترور و سنان و تیر
آنجا به قتل عام کند افتخارها
یک شهر شهر مرده و شهر مزارها
یک شهر شهر کُرتَه و شهر ازارها
آویخته به کوچه و پسکوچه دارها
آئینه مکّدر و تاریک و تارها
با مردمی برآمده دود از دمارها
گردیده زنده دوره کلاه منارها

در روز بازپرس «اسیر» این ستمگران

ره گم کنند و جمله بیالند غارها

(بن - المان، جولای ۱۹۹۹ع)